

دکتر باقرپور کاشانی



بررسی حجیت خبر واحد در عقائد

هو الحکم

## بررسی حجیت خبر واحد در عقائد

می‌گویند اگر چنانچه شما مرجع تقلید را قبول نداشته باشی و اجتهاد و تقلید را قبول نداشته باشی، تویی که مجتهد نیستی در عقیده‌ات در این جهتش مشکل داری. برخی می‌گویند این‌ها را جزء عقیده محسوب کردند، در حالی که وقتی ما یک خبر معتبری می‌آوریم و این جزء اخبار آحاد باشد می‌گویند قبول نمی‌کنیم! چرا؟ چون می‌گویند که خبر واحد، ظنی هست و مفید علم و یقین نیست و ما نمی‌توانیم در عقیده خودمان یک چیزی که ظنی هست را به‌عنوان عقیده خودمان محسوب کنیم.

اولاً این‌ها را من توضیح بدهم که بله! جمعی این حرف را زدند، اما به این معنا نیست که ما در عقیده بی تفاوت نسبت به اخبار آحاد باشیم! بله ظنی هست، اعتقاد ما هم ظنی هست! یعنی مثلاً فرض کنید یک خبر واحدی هست که سند قوی هم دارد، یک حدیث هست؛ این را چه کار می‌کنیم؟

مثلاً نوشته که در بهشت چنین نعمتی هست، گزارش می‌دهد، ده خط یک نعمتی را توضیح می‌دهد؛ ما چه کار بکنیم؟ می‌گوییم این جزو عقیده‌مان هست؟ می‌گوییم این ظنی هست، ما هم مثلاً ۸۰ درصد این را قبولش می‌کنیم، می‌گوییم ۸۰ درصد چنین چیزی خواهد بود. این به این معنا نیست که بی تفاوت باشیم نسبت به اخبار آحاد در اصول عقائد و این‌ها را کنار بگذاریم!

در بحث فقه که نه! در بحث فقه بحث عمل هست! در آن جا تمسک می‌جوئیم در ارتباط با خبر واحد، جایگاه خاص خودش را دارد، ولی در مورد عقیده وقتی می‌خواهیم در نظر بگیریم این‌گونه هست.

در مورد آیه‌ای که در نظر گرفتیم آیه هم همین‌گونه هست؛ یا آیه محکمی هست یا متشابه. اگر چنانچه این آیه محکم باشد که بله! این قطعی الصدور هست و نگاه می‌کنیم که مسأله هم مسأله قطعی هست، تعارضی هم آیه دیگری با آن ندارد، این را به‌عنوان عقیده‌مان قبول می‌کنیم. اگر خبر، خبر متشابه باشد، رجوع می‌کنیم به محکمات آیات، یا به نصوص دینی ما در فرمایشات حضرات معصومین علیهم‌السلام، نگاه می‌کنیم و به یک نتیجه‌ای می‌رسیم. این‌گونه نیست که بی‌تفاوت نسبت به این‌ها باشیم!

برخی می‌گویند این‌ها به روایات چنین‌نگاهی دارند به بعضی آیات چنین‌نگاهی دارند، اما یک چیزی که اصلاً هیچ روایت و آیه‌ای نیست می‌گویند جزو عقائد ما هست!

ببینید این‌جا ما نمی‌گوییم جزو عقائد ماست! ما می‌گوییم که چاره‌ای نداریم! یک نفری که در عصر غیبت امام زمان علیه‌السلام هست، یا خودش درس می‌خواند روایات و آیات را فهم می‌کند و مجتهد می‌شود، خودش بر اساس آن عمل می‌کند، کار می‌کند؛ یا کسی که بالاخره مشغله دارد نمی‌تواند، ذهنش جواب نمی‌دهد، رشته‌های دیگری خوانده، این بنده خدا چه کار باید بکند؟ نمی‌تواند تمام احکام مبتلا به آن هم رجوع به آیات و روایات بکند! این بسیار وقت‌گیر هست! مقدماتی دارد، ممکن است عربی بلد نباشد! علم حدیث بلد نیست! علم رجال بلد نیست! نمی‌تواند این‌ها را تشخیص بدهد! روایات در بعضی موارد

مخلوط هست! حرف ما سر این است که می‌گوییم چاره‌ای ندارد این کار را بکند! چاره‌ای ندارد!

نمی‌گوییم که اگر چنانچه کسی این را قبول نکند این آدم کافر هست! کسی نگفته که کسی مرجع تقلید را قبول نکند این کافر هست! اما می‌گوییم این مجبور هست این کار را بکند! لذا ما نمی‌گوییم که اگر این عقیده را قبول نداشته باشد، شیعه نیست خارج از دین هست! نه! می‌گوییم چاره‌ای ندارد! روش این است! در عصر غیبت مجبور هست اینگونه عمل کند! راه دیگری ندارد! یا باید خودش درس بخواند مجتهد شود، یا راه دیگر این هست که از یک مجتهدی که اعلم جامع الشرایط هست از او تقلید کند.

آن هم نه در هر چیزی! در عقائد، تقلید جائز نیست! ما روایات صریح داریم که در عقائد نباید تقلید بکنیم! آیه قرآن داریم! عقیده باید از روی بصیرت باشد. در قطعیات و مسلمات در فقه هم نیاز به تقلید نیست! مثلاً نماز خواندن؛ آیا ما در اینکه نماز بخوانیم یا نخوانیم از مرجع تقلید، تقلید می‌کنیم؟ اینکه روزه بگیریم از مرجع تقلید؟!

نه! نماز، روزه، حج، خمس، زکات، امر به معروف، نهی از منکر، تولی، تبری، این ده تا فرعی که مطرح شده کلیاتی که هست، این‌ها را تقلید نمی‌کنیم! این‌ها باید باشد. مثلاً اگر مرجع تقلیدی بگوید آقا دیگر نماز نخوانید، ما می‌گوییم چشم ما نماز نمی‌خوانیم؟ می‌گوییم تو بیخود کردی! اصلاً تو از دین خارج شدی! این‌ها که تقلیدبردار نیست! تولی و تبری هم همین‌طور! برائت عملی نسبت به دشمنان اهل‌البیت علیهم‌السلام اگر داشته باشیم این

هم ما تعارف نداریم. بله در بعضی مواقع مثلاً می‌گویند لعن‌علنی نکنید، آن یک بحث دیگری هست!

اما اینکه در وجود خودمان باید نفرت داشته باشیم از دشمنان آل محمد علیهم‌السلام، دشمنان خدا، در این هیچ اختلافی نیست! کسی نگفته که شما باید دشمنان خدا را دوست داشته باشید!

تمام